



احیای جمہوریت

شماره پانزدهم گاہنامہ
فرہنگی، اجتماعی و سیاسی
حرف حساب / اسفند نود و نہ

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
طہ نظری پور

سر دبیر و طراح: مجتبی شہدی زادہ

ویراستار: احمد رضا حجتی پور

نویسندگان:

طہ نظری پور
مجتبی شہدی زادہ
حسین خسروی فر
فاطمہ حمزوی
امیر حسین بلالی
سبحان محمودی

مہادبہ

بہ ہمراہ مصاحبہ با خانم سارا عاقلی
دبیر سیاسی اسبق دفتر تحکیم وحدت



بسم ا... القاصم الجبارين

سخن مدیرمسئول: مجلس علیه جمهوریت

طه نظری پور



سخن سردبیر: اغمای نظارت مجلس

مجتبی شاهی زاده



مجلس جدید؛ زخم کهنه

حسین خسروی فر



مصاحبه: شناسنامه جمهوریت

سارا عاقلی

مصاحبه +

بیش فعالان حقوق زنان

فاطمه حمزوی



شورای تعطیل فرهنگی

امیرحسین بلالی



شفافیت در نهج البلاغه

سبحان محمودی



سخن مدیر مسئول

مجلس علیه جمهوریت

زیرسوال برده و با حذف تدریجی افراد مستقل، موجب انحصار سیاسی می گردد.

آزمون بزرگ دیگر مجلس تا این جای کار، آزمون بودجه بوده است. بودجه ای بر طبق نظر کارشناسان یکی از فاجعه بارترین و غیرواقعی ترین طرح های بودجه تاریخ جمهوری اسلامی ایران به حساب می آید. انتظار می رفت نمایندگان ملت، با رد کلیات لایحه بودجه در کمیسیون تلفیق، آن را جهت اصلاح جدی به دولت باز گردانند که متأسفانه این مهم تحقق نیافت و احتمالاً باید شاهد تصویب یک فاجعه در صحن علنی باشیم.

یکی از خطراتی که مجلس فعلی را تهدید می کند، اقدامات غیرکارشناسی و تصمیمات احساسی است که نمونه هایی از آن را هم شاهد بوده ایم. این قبیل تصمیمات و اقدامات توسط بهارستان نشینان می تواند ذهن و روان جامعه را بیش از پیش آزار داده، آنها را نسبت به مسئولیت سیاسی خود دلسرد کرده و در نهایت یک انسداد سیاسی ایجاد کند. در آخر به عقیده نگارنده مجلس یازدهم تا به امروز علیرغم اقدامات شایسته تقدیر، در مجموع نمره قابل قبولی را کسب نمی کند. شما به اقدامات مجلس یازدهم در شش ماه گذشته چه نمره ای می دهید؟ پانزدهمین شماره از نشریه حرف حساب، به بررسی زوایایی از قوه مقننه و ساختار مجلس شورای اسلامی می پردازد.

انتخابات مجلس یازدهم با مشارکت حدوداً چهل و دو درصدی به اتمام رسید و همانطور که پیش بینی می شد اکثریت کرسی های آن در اختیار اصولگرایان و افراد نزدیک به این جریان سیاسی قرار گرفت. مجلس یازدهم در شرایطی روی کار آمد که ضعف و انفعال بی سابقه مجلس سابق و بی تدبیری های متعدد دولت فعلی، توقعات را از این مجلس بسیار بالا برده بود که همین امر تمایل بعضی نمایندگان به اقدامات نمایشی و شوآف گونه را تقویت می کند

نمایندگان فعلی با درصد مشارکت نه چندان مطلوب، خصوصاً در شهرهای بزرگ، به ساختمان بهارستان راه یافته اند و این درصد پایین مشارکت در انتخابات ممکن است ادامه یافته و در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده مجدداً تکرار شود.

مجلس اصولگرایان به خوبی تبعات مشارکت پایین در مهم ترین عرصه بروز آن یعنی انتخابات را می داند و به همین دلیل انتظار می رود با اقدامات مفید و اثربخش، تمام تلاش خود را معطوف به افزایش مشارکت از طریق افزایش رضایت مندی بدنه جامعه نماید.

طرح اصلاح قانون انتخابات یکی از اقدامات مجلس در این راستا به شمار می رود که متأسفانه بدلیل اشکالات متعدد در نهایت جمهوریت نظام را به قتلگاه خواهد برد چرا که ضمن تبدیل نظارت استصوابی شور ای نگهبان به نظارت تعیینی، آزادی انتخابات را

طه نظری پور - دانشجوی پزشکی
عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت



انگمای نظارت مجلس

مجتبی شاهی زاده
دانشجوی پزشکی

جمهوری اسلامی را بر عهده دارد. طی این نظارت مجلس، هم ذات نظام جمهوری اسلامی و هم از افکار مردم در برابر این نظام دفاع می کند. این وظیفه در حال حاضر با توجه به شکاف قبال توجهی که بین مردم و حاکمیت افتاده است، اهمیت قابل توجهی به خود گرفته است.

همانطور که سابقاً گفتیم نظارت مجلس بوسیله چند ابزار نظارتی، بر چند بعد حاکمیت باید حاکم باشد. نظارت مجلس بر دولت که در یادداشت های مشابه فراوان به آن پرداخته شده؛ اما نظارت بر سایر ابعاد یعنی رسانه ها و همچنین نظارت بر خود نمایندگان و... ابهاماتی وجود دارد؛ که به بخشی از این ابعاد، شرحی خواهیم داشت.

ابزارهای نظارتی مجلس

حال که سخن از نظارت مجلس به میان آوردیم، ظرفیت این وجود دارد که به ابزارهای نظارتی این قوه بپردازیم.

مجلس شورای اسلامی چندین بازو جهت اعمال نظارت خودش دارد؛ از جمله این ابزارها می توان به تذکر، سوال، استیضاح، تحقیق و تفحص، نظارت رییس مجلس بر وضع مقررات دولتی، رأی اعتماد، کمیسیون اصل

دلایل گسترش بیش از حد مشکلات، عدم توجه به این نقش حیاتی طی ادوار مختلف مجلس است.

علی رغم افکار عمومی که نقش نظارتی مجلس را صرفاً معطوف به نظارت بر دولت میدانند، مجلس شورای اسلامی وظیفه نظارت بر ابعاد مختلفی از حاکمیت از جمله دولت، رسانه ها، قوای مسلح و همچنین نظارت بر خود نمایندگان را بر دوش دارد.

در این یادداشت برآن آمده ایم که در اینجا، نقش نظارتی مجلس را شرح دهیم و با ایجاد آگاهی برای مردم و مسئولینی که کمتر از وظایف خود آگاه هستند، این وظیفه حیاتی مجلس را یادآور شویم و به مطالبه احیای وظیفه حیاتی نظارت مجلس شورای اسلامی بپردازیم.

نظارت از بعد لغوی به معنی «نگریستن»، «مراقبت کردن از چیزی» و... است. با توجه از برداشتمان از معنی این واژه، در می یابیم مجلس بوسیله بعد نظارتی خویش، مراقبت از نظام

مجلس شورای اسلامی، قوه قانون گذار جمهوری اسلامی ایران است که در کلام امام روح... نهادی است که باید در راس نظام قرار داشته باشد. صحیفه امام که به مثابه مانیفست انقلاب اسلامی است، برای مجلس شورای اسلامی دو نقش را قائل شده است: نقش تقنینی و نقش نظارتی. در اندیشه امام راحل، نقش نظارتی، نقشی مضاف بر نقش تقنینی را داراست و این نکته را به ما می رساند که بیشتر باید به وظیفه بپردازیم. امام در آستانه تشکیل اولین دوره مجلس شورای اسلامی، پیرو وظیفه نظارتی مجلس میفرمایند: ((حالا که مجلس تاسیس شد و مجلس رسمیت پیدا کرد، همه امور باید بر نظارت مجلس به روال خودش بگذرد ...)).

علی رغم افکار عمومی که نقش نظارتی مجلس را صرفاً معطوف به نظارت بر دولت میدانند، مجلس شورای اسلامی وظیفه نظارت بر ابعاد مختلفی از حاکمیت از جمله دولت، رسانه ها، قوای مسلح و همچنین نظارت بر خود نمایندگان را بر دوش دارد. متأسفانه طی سالیانی که ادوار مجلس بر کار بوده اند، نقش نظارتی مجلس به نقشی تجملی بدل گشته و بی شک یکی از

چرا که نظارت مجلس بر حاکمیت، به نظارت بر زیرمجموعه های خودش ختم نمی شود. برای اینکه مجلس بتواند ساز و کار مشکل ساز و فساد ساز را پیدا و برای اصلاح آن اقدام کند، نیاز است که مجلس از محل جنگ های سیاسی دور شود و به وظایف خود در جهت خدمت به مردم عمل کند. البته عیوب ساختاری مجلس شورای اسلامی از انتخابات و شکل گیری تا روند کاری اش نیز از عوامل مهم کم کارآمدی این قوه می باشد. همچنین مجلس برای بهبود عملکرد خود به دید جامع تر و شفاف تری به کل حاکمیت برسد؛ البته مجلس این ظرفیت را دارد اما بخشی بالقوه باقی مانده اند و همان بخشی دیگر که بالفعل شده است هم دچار ناکارآمدی شده است؛ در امتداد این علل، نارضایتی های مردمی ایجاد شده است. این بیانگر آن است که اغمای مجلس در ابعاد مختلف بالاخص بعد نظارتی اش، کم اهمیتی به تخریب پایه های حاکمیت می باشد. در یادداشت های آینده این موضوع را بیشتر باز خواهیم کرد؛ چرا که با عبور از هر در این موضوع، درهای دیگری جلویمان می آید که ظرفیت پردازش این موضوع را بیشتر می کند.

می رود مسئولین و نمایندگان مجلس بر این بعد نظارت بیش از پیش اهتمام ورزند؛ تا که مجلس که در قهقرا حاکمیت بوده، به رأس امور بازگردد و نقش تعیین کننده خود را در حاکمیت باز پس گیرد.

نظارت بر رسانه

اصل ۱۷۵ قانون اساسی به موضوع نظارت قوا بر رسانه پرداخته است و بیان میدارد که شورای مشتمل بر نمایندگان قوای سه گانه وظیفه نظارت بر رسانه صدا و سیما را بر عهده دارند و باید بر آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در رسانه نظارت کنند.

ما در این شرایط بغرنج صدا و سیما، از این بعد نظارتی، جز سایه چیزی نمی بینیم و مطالبه صریح ما دمیدن روح از سوی حاکمیت به پیکر بی جان این بعد از نظارت است؛ تا که کور سوی امیدمان به رسانه ملی بازگردد.

نظارت در هر یک از قوا، در واقع نقش فساد زدای حاکمیت را دارد؛ در این بین نظارت مجلس اهمیت بالاتری دارد.

اما در این شرایط بغرنج صدا و سیما، از این بعد نظارتی، جز سایه چیزی نمی بینیم و مطالبه صریح ما دمیدن روح از سوی حاکمیت به پیکر بی جان این بعد از نظارت است؛ تا که کور سوی امیدمان به رسانه ملی بازگردد.

نود، نظارت کمیسیون های تخصصی، دیوان محاسبات کشور، ناطران مجلس در شوراها، مجامع و هیئت ها. پرداختن به هر یک از این ابزارها نیاز به یادداشت های اختصاصی ای دارد که در شماره های بعد به این مهم خواهیم پرداخت.

نظارت بر نمایندگان

قانون نظارت بر نمایندگان مشتمل دوازده ماده است که بصورت جزئی به چگونگی نظارت بر نمایندگان پرداخته است. طبق ماده اول این قانون برای نظارت بر نمایندگان، هیأت نظارت مشتمل بر یک نماینده از هیئت رئیسه مجلس، یک نماینده از کمیسیون اصل نود، یک نماینده از کمیسیون قضائی و حقوقی و چهار نفر از سایر نمایندگان مجلس که مجموعاً هفت نفر هستند، می باشد. در ماده دوم این قانون به طور کلی به وظایف این هیأت در چهار مورد پرداخته است:

الف) گزارش های واصله درباره سوء استفاده و تخلف مالی یا اخلاقی نماینده و درآمدها و هزینه های غیرمعارف وی ب) گزارش های مربوط به رفتار خلاف شئون نمایندگی

پ) گزارش های واصله درباره اعمال خلاف امنیت ملی کشور و سایر اعمال مجرمانه از بعد انتظامی
ت) گزارش های هیأت رئیسه درباره غیبت، تأخیر و بی نظمی نماینده

با وجود این قانون، اما باز هم ما شاهد بی انضباطی هایی از سوی نمایندگان مجلس هستیم؛ بی انضباطی های که در شأن یک نماینده نیست و موجب به سخره گرفتن مجلس شورای اسلامی و در امتداد آن، حاکمیت، از سوی رسانه های بیگانه می شود. همچنین از موارد تخلف پیش آمده از سوی برخی از نمایندگان، مدارک تحصیلی جعلی، رانت خواری، سهم گیری از منابع قدرت و ثروت، دست داشتن در ساز و کارهای اخلاص بازار و... است. انتظار



مجلس جدید، زخم کهنه

حسین خسروی فر
کارشناس رادیولوژی

باید شجاعت وضع چنین قوانینی را داشته باشد.

*اگر چه در طرح موجود استقلال بانک مرکزی بیشتر شده، اما به نظر می رسد قدرت آن در برابر بانک ها و موسسات اعتباری بسیار تنزل یافته است. در صورتی که باید یکی از ارکان ها و نهادهای اقتصادی حکومت را (که شاید در دسترس ترین این نهادها، بانک مرکزی باشد) به عنوان اهرمی آهنین برای بانک ها قرار داد تا همانند سایر کشورهای توسعه یافته سرمایه خود را به جای سوداگرایی در جهت کسب و کارهای ارزشمند و مولد قرار دهند.

*تمام کارشناسان شناخته شده و رسانه ای کشور معتقدند که نظرات هیچ یک از آنان در این طرح حتی اشاره ای هم به آن نشده است. فارغ از صحت این ادعا، مجلس جوان آینده باید راهکاری برای این موضوع بیندیشد و اگر چه اجماع برای چنین طرح سنگین و پیچیده ای ممکن نباشد اما پیشنهاد راقم این سطور این است که

بانکی مصوب مجلس یازدهم، با اولویت موارد زیر:

*تعریف شفاف و هوشمند از ربا: در طرح موجود اگر چه سعی شده است ربا را از عملیات بانکی حذف نمایند، اما مورد ابهام این است که ریشه ی ربا چیست؟ و این عملیات دقیقاً با کدام معیارهای فقهی، قابل تشخیص است؟ برای مثال سود علی الحساب در قانون جدید همچنان پابرجاست که خود شبهه ربا را به ذهن می رساند.

*اجرای کامل طرح شناور سازی سود: هر چند عملیاتی کردن این مولفه ی بسیار مهم بانکداری کاری زمان بر و پیچیده است، اما اولاً برای اجرای این مهم، هیچ گونه خلاء قانونی نباید در برابر بانک های عامل وجود داشته باشد و ثانیاً همگان از جمله فعالین نظام بانکی باید بدانند در ذات عملیات و نظام ارزش گذاری اقتصادی اسلام برای هر فعالیت اقتصادی باید سود متفاوت و متناسب قائل شد تا ارزش کسب و کارها و اولویت آنها برای نظام اقتصادی مشخص باشد. مجلس آینده

منتخبان مجلس یازدهم در حالی به کرسی وکالت مردم می نشینند که شرایط بسیار نادری از نظر اقتصادی گریبان کشور را گرفته است. در سال ۲۰۱۹ میلادی، نرخ تولید ناخالص داخلی ایران به گفته صندوق بین المللی پول کاهش هفت درصدی به خود دیده؛ این امر نه تنها برای ایران که در کل دنیا، نزولی بسیار کم سابقه است. هر چند به دلیل افزایش قیمت کالای های تولیدی قشر روستایی و کشور (از جمله محصولات کشاورزی و دامی و...) نرخ های اندازه گیری رفاه افت فاجعه آمیزی نداشته اند، اما در مجموع زندگی اکثر مردم به ویژه جامعه ی شهری شدیداً تحت تاثیر قرار گرفت. هر چند به گمان برخی کارشناسان باید مجلس نقش کمتری در وضع به وجود آمده داشته باشد، اما با ایجاد قانون گذاری های سلبی و ثبوتی می تواند مسیر اقتصاد کشور را به چشم انداز های بهتری هدایت کند. از جمله این اقدامات میتوان به راه حل های زیر اشاره نمود:

(یک) در حوزه بانکداری:

(الف) به روز رسانی طرح اصلاح نظام

دو) حوزه بیمه:

الف) تغییر قوانین به نفع بیمه شدگان: *تصویب نرخ نامه های شناور نزولی و با تعیین سقف قیمت، رغبت صاحبان کسب و کارهاب خرد و کلان را به عقد قرارداد با این صنعت را بیشتر خواهد کرد و رقابت بین بیمه گران نیز عادلانه تر پیش خواهد رفت.

*اگر بهره مندی بیمه شدگان از سود شرکت های بیمه میسر شود قطعاً در گردش جریان نقدینگی این صنعت و جلب اعتماد بیمه شدگان و همچنین در کاهش تخلفات بیمه ایی از سوی بیمه شدگان بسیار موثر است اعطای بخشی از درآمد بیمه ها به جلوگیری از خسارات های معمول ...مانند: تصادفات، بهداشت و درمان و

ب) تغییر قوانین به نفع شرکت های بیمه:

*آزاد سازی رقابت و از بین بردن قوانینی که ایجاد انحصار درراه اندازی شرکتهای بیمه می نمایند و همچنین ممنوعیت شرکت ها و نهاد های حکومتی برای استفاده از یک بیمه خاص، میتواند تمامی پتانسیل های این صنعت سود آور را برای کشور فراهم نماید.

* خروج بانک و سایر نهاد های حکومتی از صنعت بیمه

* از جمله اقداماتی که می تواند سود شرکت های بیمه را واقعی تر نماید و امکان فعالیت بخش خصوصی را بیشتر کند بانک ها و ارگان های حکومتی در صنعت بیمه است. که این مولفه نیز از جمله اقدامات مخرب بانک ها تحت عنوان بنگاه داری می باشد.

*اجبار دولت به تلاش برای کاهش هزینه های بیمه ایی و جلوگیری از

مرکز پژوهش های مجلس آینده، طرح اصلاحی خود را در مجمعی از صاحب نظران و اساتید دانشگاه ها، از طیف های متفاوت اقتصادی به رای بگذارد

ب) کمک به ظهور مدیران تحول خواه: از جمله نظراتی که اکثر اقتصاد دانان و کارشناسان پیرامون اصلاح نظام بانکی دارند، این است که مشکل نظام بانکی ما، فقدان مدیرانی است که توانایی، انگیزه و انرژی لازم برای تغییرات بنیادی ندارند و اگر این مورد فراهم شود با تغییر جزئی قانون می توان به دستاوردهای شکفت انگیزی رسید. البته به نظر نمی رسد مجلس جدید حتی با ارتباط موثر با معاونت پارلمانی دولت بتواند چنین مهره هایی را درون نظام فکری و اجرایی دولت فعلی بیابد. اما باید ریل گذاری را برای دولت آینده که احتمال می رود جوان تر و تحول خواه تر از این دولت باشند، انجام دهد

مشکل نظام بانکی ما، فقدان مدیرانی است که توانایی، انگیزه و انرژی لازم برای تغییرات بنیادی ندارند و اگر این مورد فراهم شود با تغییر جزئی قانون می توان به دستاوردهای شکفت انگیزی رسید.

ج) تمامی اقدامات ذکر شده راهکار های فوری و عملیاتی برای حل مشکلات بانک هاست؛ اما مجلس یازدهم باید برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را برای برچیدن ساختار بانک از نظام و دولت اسلامی و جایگزینی ساختار هایی مطابق با آموزه های اسلامی برای مدیریت سرمایه های مردم ابداع کند و از قانون و کلیشه های شعاری که تا کنون مرسوم بوده فاصله گیرد. بطور خلاصه باید پذیرد که نهاد بانک را حذف کند و این مهم در مورد بیمه و بورس نیز صدق می کند.

ایجاد خسارت ها مانند: اختصاص بودجه برای پیش گیری از سیل، زلزله ویا آتش سوزی و یا تغییر قانون شهرداریها به این منظور.

سه) بورس

الف) اصلاح هسته ی تغییر قوانین از سازمان و شورای عالی بورس به مجلس و سایر نهادهای بالادستی: در ساختار سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، هیئت مدیره بورس قدرت بسیار فراگیری دارد که باعث شده با تصمیم گیری های هیجانی، ضربات جبران ناپذیری به این بازار وارد کند. برای مثال اجرای قانون جدید بازارپایه در شهریور سال نود و هشت که ضررهای سنگینی در میان مدت به برخی از عامه ی مردم و سهامداران خرد وارد کرد.

ب) اعطای قدرت بیشتر و نیز تکلیف قوه ی قضاییه به برخورد با عدم شفافیت و ایجاد رانت در معاملات سازمان بورس

ج) بالابردن اطلاعات نمایندگان نسبت به بازار سرمایه و نقش و کارکرد آن در اقتصاد دنیا :شاهد هستیم که نمایندگان مجلس که کوچکترین اطلاعاتی از ساز و کار بازار سرمایه ندارند درباره آن اظهار نظر مثبت یا منفی می نمایند که این رویه برای آینده بازار شدیداً خطرناک خواهد بود.

د) تصویب قوانین برای نحوه فروش سهام دولتی در بازار: شاهد هستیم که دولت برای فروش سهام خود در بازار و تامین نقدینگی، به صورت کاملاً بی ضابطه عمل می نماید که این مسئله گاها باعث از بین رفتن آرامش بازار و روند مثبت شرکت های دولتی می شود. مجلس باید قوانینی وضع نماید

و بسیار کارآفرین کشور است اما با مدیریت بی ضابطه ای که وجود دارد هدر رفت منابع ملی مشهود است در نتیجه مجلس جدید باید وزارت جهاد کشاورزی را ملزم به ارایه برنامه کاشت در کشور نماید و به این بی ضابطگی پایان دهد.

پنج) اقتصاد کلان

الف) تعریف پایه های مالیاتی جدید: مجلس می تواند با باز تعریف پایه های مالیات از جمله مسکن، خودرو و مشاغل واسطه ای درآمد پایدار و سالمی را برای دولت به وجود بیاورد. در این قانون و حتی در سایر بخش های اقتصادی باید محوریت اقتصاد را بر صنایع و مشاغل خدمات محور متمرکز کرد؛ از تجربه های موفق این ایده می توان به کشور هند اشاره نمود.

ب) مجلس به واسطه ی اهرم های قانونی خود چه در تصویب لایحه ی بودجه و چه در تذکرات و استیضاح ها، باید از اقدامات مخرب دولت در جهت جبران کسری بودجه خود ممانعت به عمل آورد. برای مثال در بودجه سال نود و نه دولت حداقل پنجاه هزارمیلیارد تومان اوراق را به اجبار به صندوق های درآمد ثابت و برخی شرکت های سرمایه گذاری به فروش می رساند. این اجبار تا حدی است که در اتفاقی عجیب شرکت سرمایه گذاری صنعت و معدن، به اجبار سهام خود در شرکت کلر را به فروش رسانید و اوراق قرضه دولتی با سود ناچیز بیست درصد را خریداری نمود.

ج) مکلف کردن دولت و قوه قضائیه به جهت تجمیع بانک اطلاعات اقتصادی کشور در حوزه پول، املاک و فعالیت اقتصادی افراد با محوریت وزارت ارتباطات.

مکلف کردن وزارت صمت و سازمان خصوصی سازی به انتشار شفاف سازی های مالی شرکت های دولتی و واگذاری آنها برای مثال: شرکت هپکو که از بزرگترین شرکت های دولتی زیر نظر سازمان خصوصی سازی است.

شاهد هستیم که دولت برای فروش سهام خود در بازار و تامین نقدینگی، به صورت کاملاً بی ضابطه عمل می نماید که این مسئله گاها باعث از بین رفتن آرامش بازار و روند مثبت شرکت های دولتی می شود.

خصوصی سازی به انتشار شفاف سازی های مالی شرکت های دولتی و واگذاری آنها برای مثال: شرکت هپکو که از بزرگترین شرکت های دولتی زیر نظر سازمان خصوصی سازی است مدت ها است، هیچ گونه گزارش شفافی را منتشر نکرده و زمان بندی مشخصی برای واگذاری به بخش های خصوصی حتی ایمیدرو ندارد.

ج) ارائه قانون به منظور تسهیل صدور مجوز های کسب و کار: در جامعه ایرانی با توجه به عدم توجه آموزش و پرورش به تربیت تفکر اقتصادی فرزندان جامعه، خلاقیت زیادی را در بین جوانان برای توسعه کسب و کار نمیتوان دید. اما همین اندک فکر های خلاق نیز بعد از طی مراحل طاقت فرسای جذب سرمایه با دیوار های زیادی برای اخذ مجوز کسب و کار مواجه می شوند.

د) مکلف کردن وزارت نفت به تاسیس پتروپالایشگاهی های تحریم شکن. استفاده از طرح تنفس خوراک در این بازه زمانی متأسفانه به دلیل خصوصی بودن اکثر پتروشیمی های کشور، فقط محصولاتی تولید می شوند که صرفه اقتصادی کلان به دنبال داشته باشند. حال مجلس می تواند با موظف کردن وزارت نفت به تاسیس پتروپالایشی هایی که نیاز کشور را تامین می کنند این حلقه ی ناکارآمد را ترمیم کند.

ر) اصلاح صنعت کشاورزی با وضع قوانین : کشاورزی از صنایع حیاتی

که دولت را در زمینه واگذاری شرکت های دولتی و هم چنین نحوه ی افزایش شنوری در بازار سرمایه محدود و منضبط نماید. برای مثال دولت فقط مجاز به فروش سهام خود در روزهای رو به مثبت بازار سرمایه و یا فروش در صف های خرید سنگین باشد و هم چنین موظف باشد درصدی از فروش روند مثبت را جهت حمایت از بازار در روند های نزولی در نظر بگیرد.

ر) با توجه به بزرگ شدن حجم نقدینگی و اقبال مردم به بازار سرمایه مجلس باید هر چه سریعتر جدای از اقدامات فوری ذکر شده، طرح تحول بازار سرمایه را برای دولت آینده تصویب نماید. برای مثال از ایده های این طرح می تواند الزام ورود شرکت های خصوصی پر بازده به بازار سرمایه ایران و همچنین اولویت واگذاری پروژه های مهم دولتی به شرکت های پذیرفته شده در بورس می باشد.

چهار) صنعت و بازرگانی

الف) تغییر قوانین کمی و کیفی برای قوه قضایه به منظور برخورد با قاچاق کالا برای مثال: تعیین زمانبندی برای دادگستری های استان های هدف در جهت پایان دادن به ادامه کار گذرگاه های شناخته شده. قاچاق و همچنین اصلاح قوانین و تعاریف موجود از قاچاق که میتواند قوه قضایه را در برخورد با این امر مستاصل نماید.

ب) مکلف کردن وزارت صمت و سازمان



بیش فعالان حقوق زنان

فاطمه حمزوی
دانشجوی فناوری اطلاعات

این روزها که حتی برجسب "فعال حقوق زنان" بر سردر صفحه های اینستاگرامی برای عده ای زمین بازی ای برد برد، و شعارهای خوشرنگ و لعاب تاس جفت شش فرصت طلبان شده؛ اگر مسئولیت پذیرفتگان ذی ربط از بستن دکان هویت زنانه جعلی فروشان، عاجزند؛ لااقل امید آن است که از فشردن دست همکاری با دلالان حقوق زنان و وارد کنندگان نگون بختی دختران امتناع ورزند.

اعتراف سختی ست اما امروز در جامعه ی ما در کنار تمام آنچه در حوزه زنان میتوان فخر به دنیا دانست، آنچه یک زن در جامعه ی اسلامی باید در مسیر تحقق رسالتش داشته باشد از آنچه سالها به خودمان قبولانده ایم دارد، کمتر است و سالهاست که واهمه ی پذیرفتن یا اعتراف به کاستی ها به وادی توهم "هیچ مشکلی وجود ندارد" کشاندتمان؛ و باور کرده ایم زن اگر زن باشد یا این شرایط را میپذیرد یا میپذیرد دیگر!! در نشنگی همین غفلت در را برای دزدان حق و حقوق زنان باز گذاشتیم، آنها هم آنچه حقیقتا زن نیاز دارد را برداشتند و توهمات ذهن شان را گذاشتند. حال این گناه نابخشودنی جبران نمیشود مگر با یادآوری و البته پس دادن آنچه زن و خانواده به آن نیاز دارد.

از ازدواج شروع میکنیم، که شروع شکل گیری اجتماع و تمدن سازی است. طرح تسهیل ازدواج جوانان انگار فقط نوشته شده که شده باشد! نه تلاشی برای اجرایی ساختن آن و نه اقدام جایگزینی برای تسهیل ازدواج جوانان، امری که به همان میزان که وابسته به اقتصاد است، مساله ای فرهنگی است.

فرهنگ گریز از تجملات، فرهنگ آسان گرفتن ازدواج، فرهنگ صرفه جویی و قناعت، و...

پس از پشت سر گذاشتن هفتصد خان ازدواج، در حالی که هیچ فکر کارسازی برای بالا رفتن سن ازدواج نشده، چالش بزرگ فرزند آوری پیش روی خانواده هاست.

حال زن و مرد می مانند و مخارجی کمر شکن و مسئولیتی سنگین، در حالی که هیچ راغب اقتصادی یا فرهنگی برای آنها وجود ندارد.

غم انگیز است، در کشوری که با خطر جدی پیر شدن جمعیت و کاهش نرخ باروری و مخاطرات حاد آن روبه روست، خبری از طرح های تشویقی مالی و فرهنگ سازی صحیح برای جنگ با شعار منفعت طلبانه ی "فرزند کمتر، زندگی بهتر" نمی بینیم؛ در حالی که عده ای نزاع برای طرح هایی بزرگ شده را به جان می خرند!

غم انگیز است در کشوری که با خطر جدی پیر شدن جمعیت و کاهش نرخ باروری و مخاطرات حاد آن روبه روست، خبری از طرح های تشویقی مالی و فرهنگ سازی صحیح برای جنگ با شعار منفعت طلبانه ی "فرزند کمتر، زندگی بهتر" نمی بینیم؛ در حالی که عده ای نزاع برای طرح هایی بزرگ شده را به جان می خرند!!

نیاز عمیق فرزند به مادر خصوصا در سالهای نخست زندگی و اجبار مادر به کار کردن، مرخصی های زایمان، عدم تطابق شهر و ساختمان سازی ها با نیازهای یک مادر، یاس از توانایی

تامین فرزند و آینده ی او و... همه از عواملی ست که از بین بردن آنها توجه جدی ذیربطان مسؤل علی الخصوص نمایندگان مجلس به وضع زنان و استفاده از نظرات کارشناسان مربوطه را می طلبد و عدم توجه بحرانی غیر قابل جبران را رقم میزد.

چالش بعدی را شاید بتوان طلاق و آمار بالای آن دانست که مستلزم بررسی عمقی و دقیق علل آن و تلاش برای حل آن است.

خانواده نهادی مقدس، سازنده ی جامعه ی انسانی و رقم زننده ی تحولات جهانی ست. تبلیغ تجرد و ارزش بخشیدن به آن در عین تقبیح ازدواج و سد کردن باب آن توسط هرکس صورت پذیرد چه اصحاب رسانه باشد، چه استادی در دانشگاه و چه توسط نماینده ای در مجلس، گناهی نابخشودنی و مستلزم مجازات است و اگر فردی در جایگاهی قادر به حل گوشه ای از مشکلات پیش روی ازدواج بود و عمل نکرد، افول اجتماعی در گام اول گریبان گیر خود او خواهد بود.

مشکلات لازم به حل عدیده ای در بحث زنان و خانواده وجود دارد که پرداختن به همه ی آنها در این مجال نمیگنجد اما توقع می رود نمایندگانی که با پشتوانه ی همین زنان به کرسی سبز مجلس تکیه زدند بخت زنان این مرز و بوم را جز سپید نخواهند.

از جمله ی این مشکلات چالش های اقتصادی و زندگی اجتماعی پیش روی زنان سرپرست خانوار، بهداشت و سلامت مادران در شهرها و روستاها و ارتقا سواد سلامت آنها، کارتن خوابی، اعتیاد، علل افسردگی، فرار و خودکشی در زنان و... را می توان نام برد.



خانواده، کلمه‌ای طیبه است

کلمه‌ی طیبه هم خاصیتش این است که
وقتی یک جایی به وجود آمد، مرتب از
خود برکت و نیکی می‌تراود و به
پیرامون خودش نفوذ می‌دهد.

سپهر
۷۹/۱۲/۱۵



شناسنامه جمهوریت

مهاجبه



در پانزدهمین نسخه گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حرف حساب به گفتگو با سرکار خانم سارا عاقلی پیرامون نظام های انتخاباتی نشستیم. خانم عاقلی دبیر اسبق واحد سیاسی دفتر تحکیم وحدت بوده و در حال حاضر دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی هستند.

منظور از نظام انتخاباتی چیست؟ چه انواعی دارد؟

در رابطه با سوال اول ابتدا باید توضیحی درباره نظام انتخاباتی بدهم. نظام انتخاباتی نحوه تصدی مناصب سیاسی را مشخص می کند. و در واقع تبدیل کننده رای مردم به کرسی نمایندگی میباشد یعنی نظام انتخاباتی خواست و نیاز سیاسی مردم را تبدیل به عرصه سیاسی می کند این بدین معناست که مثلاً در زمانی، مردم ما اقبالشان به یک گروه سیاسی مثل اصلاح طلبان است و از طریق انتخابات این نظر و رای آنها تبدیل به عرصه سیاسی می شود و اصلاح طلبان صاحب کرسی ریاست جمهوری یا مجلس یا شورای شهر و امثالهم می شوند و یا این مطلب در مورد اصولگرایان. قانون نظام انتخاباتی یک ابزار و یک شیوه است برای تبدیل رای مردم به عرصه سیاسی (کرسی نمایندگی یا مناصب سیاسی). نظام انتخاباتی شامل چه چیزهایی

مدل اکثریتی مطلق به این صورت است که هر کسی که بیشترین رای را بیاورد برنده می شود و حالتی شبیه به مسابقه دارد. (برنده و بازنده دارد به طوری که هر کسی که بیشترین رای را بیاورد پیروز می شود.) که نوع نظام انتخاباتی در کشور ما اکثریتی است. مدل تناسبی به این صورت است که گروه های مختلفی در انتخابات شرکت می کنند و هر گروه به میزانی که مورد اقبال مردم قرار گرفته است صاحب کرسی می شود. مثلاً یک گروه سیاسی ۳۰ درصد رای مردم را کسب می کند و به همین دلیل ۳۰ درصد از کل حوزه های انتخاباتی مربوط، به آن تعلق می گیرد. در ادامه بیشتر به توضیح این مدل می پردازیم.

مدل ترکیبی هم ترکیبی از این دو مدل می باشد؛ به طوری که بعضی از حوزه های انتخاباتی به صورت اکثریتی برگزار می شود و بعضی دیگر نیز به صورت تناسبی.

میشود؟ نظام انتخاباتی از مشخص کردن ساختار برگه رای ما شامل می شود تا نحوه رای دادن مردم، شمارش آرا و تا تعیین نفر یا گروه پیروز که بر اساس نوع نظام انتخاباتی معلوم می شود. یعنی اینطور نیست که به صورت پیش فرض ساختار برگه رای، مدل رای دادن مردم یا نحوه شمارش آرا در همه جا به یک شکل باشد. این مدلی که ما اکنون در کشورمان می بینیم و پیاده می شود یک مدل از انواع نظام های انتخاباتی است. حال اگر بخواهیم این مدل ها را خیلی ساده توضیح دهیم بدین صورت است که به طور کلی سه نوع نظام انتخاباتی داریم: اکثریتی، تناسبی، ترکیبی.

هر کدام از این مدل ها خود به مدل های بسیار ریز تر و متفاوت تری تبدیل می شوند؛ تا جایی که می توانیم بگوییم به اندازه تمام کشورهای دنیا نظام های انتخاباتی متفاوتی وجود دارد. اما شاید اینجا توضیح مبسوط لازم نباشد. حال به توضیح هر کدام از این سه مدل می پردازیم.

نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی به چه گونه است؟ چه ایراداتی به آن وارد است؟

نوع نظام انتخاباتی در کشور ما همانطور که توضیح دادم، بطور مثال برای مجلس شورای اسلامی اکثریتی می باشد و هر کسی که رأی بیشتری بیاورد وارد مجلس می شود. یکی از ایرادات بزرگی که به این نظام انتخاباتی وارد است بحث ناعادلانه بودن آن می باشد. مثلاً اگر از حوزه هایی مثل تهران بخواهم مثال بزنم مدل اکثریتی هم می تواند به عدالت نزدیک باشد به شرطی که یک حوزه ای مثل تهران اگر ۳۰ نماینده دارد ۳۰ حوزه انتخاباتی هم داشته باشد تا توازن بین مناطق مختلف، یک شهر و قشرها، طبقه های مختلف اقتصادی و اجتماعی مردم رعایت شود.

اما در کشور ما به گونه ای است که کل آن ۳۰ کرسی را صاحب شدن و کل آن اکثریتی بودن، متعلق به فضای لیست ها است. یعنی یک لیست بیرون می آید و کل آن ۳۰ کرسی را برنده می شود. مدل اکثریتی به خودی خود چیز بدی نیست به شرطی که درست اجرا شود. در کشور ما حتی نحوه انجام آن هم درست نیست و از طرفی دیگر برای کشورهایی مناسب است که مجلس، نخست وزیر را معرفی و انتخاب می کند چرا که اگر قرار باشد مجلس نخست وزیر را انتخاب کند باید دارای اکثریت باشد. و در نظام انتخاباتی اکثریتی یک جریان سیاسی غالب، کرسی ها را برنده می شود و تبدیل به جریان سیاسی غالب مجلس می شود و برای اینکه دولت شکننده نباشد در مورد تعارض ها و دعوای شدید در مجلس قرار نگیرد بهتر است کشورهایی که مدل آنها انتخاب نخست وزیر توسط مجلس می باشد نظام انتخاباتی آنها اکثریتی باشد.

در کشور ما در دهه ۶۰ نظام انتخاباتی به این صورت بوده که مجلس نخست وزیر را انتخاب می کرد و مدل اکثریتی برای مجلس مدل خوبی به شمار می رفت. اما وقتی جلوتر آمدیم و بحث انتخاب نخست وزیر لغو شد و مردم مستقیماً رئیس جمهور را انتخاب کردند این مدل نظام انتخاباتی برای مجلس غیرعادلانه شد. این که دقیقاً چرا این اتفاق می افتد را در ادامه بیشتر توضیح میدهم.

در مدل اکثریتی مطلق گروهی که برای مثال ۶۰ درصد رای مردم در حوزه انتخابی خودش کسب کرده، صاحب ۱۰۰ درصد کرسی ها می شود. مثال آن را از تهران می زنم که خیلی نزدیک به ذهن همه ما است.

در انتخابات مجلس دهم اتفاقی که افتاد این بود که اصلاح طلبان حدود ۶۰ درصد آرای مردم را کسب کرده بودند اما صاحب ۱۰۰ درصد کرسی های مجلس شدند. یعنی از ۳۰ درصد کرسی مجلس همه آن ۳۰ درصد کرسی را برنده شدند. در مجلس یازدهم این قضیه سمت اصولگرایان نیز آمد؛ به طوری که اقبال رای آنها در تهران حدود ۲۰ درصد بود اما ۱۰۰ درصد کرسی ها را برنده شدند.

حال مسئله ای که وجود دارد این است که کل افرادی که در انتخابات شرکت کردند گروه پیروز نبودند. درست است که ۶۰ درصد از طرفداران اصلاح طلبان و اصولگرایان پای صندوق رای آمدند و به گروه سیاسی مقبول خود رای دادند اما اینها همه شرکت کننده ها نبودند؛ بلکه یک ۴۰ درصد دیگری هم وجود داشته یا مثلاً اگر گروه پیروز ۷۰ درصد بوده باشد یک ۳۰ درصد دیگری هم وجود داشته است.

در مدل تناسبی به گونه ای است که یک حداقلی مشخص می شود. برای مثال اگر یک گروه سیاسی در آلمان ۵ درصد است، بتواند ۵ درصد آرا را کسب کند و وارد حیطه تخصیص

کرسی و گرفتن صندلی مجلس شود. در کشور خودمان اگر بخواهیم مجلس دهم را با الگوی تناسبی توضیح دهیم، اصلاح طلبانی که ۶۰ درصد آرای مردم را داشتند حدود ۲۰ کرسی را اشغال می کنند و ۳۰ درصد برای آنها نمی شود. بلکه ۱۰ کرسی باقی مانده به گروهی می رسد که ۴۰ درصد آرا را کسب کرده اند؛ یعنی اصولگرایان.

اشکال این مدل همانطور که توضیح دادیم این است که شما یک گروهی از مردم را نادیده می گیرید و علیرغم اینکه این مردم پای صندوق های رای حاضر شدند کاری می کنید که صاحب کرسی و صندلی نشوند و این به سرخوردگی آنها می انجامد و می تواند کشور را به آشوب سیاسی دچار کند. اتفاق دیگری که می افتد این است که این شیوه در بلند مدت می تواند به کاهش مشارکت منجر شود. یعنی یک گروهی چندین بار پای صندوق رای حاضر می شود و علیرغم مشارکت، چون اکثریت مطلق را نمی تواند کسب کند برای دفعات بعدی انگیزه کافی برای مشارکت را ندارد.

از دلایل کاهش مشارکت اسفند ۹۸ که در ارتباط با نوع نظام انتخاباتی هستند، چیست؟

یکی از دلایلی که با آن کاهش مشارکت در انتخابات اسفند ۹۸ را توضیح می دهند این است که در بلندمدت این انگیزه مردم برای حضور کم شده بود یعنی فرد زمانی که دیده است که کلیت لیست برای مثال تهران را نمی تواند ببرد، پس دیگر دلیلی برای مشارکت نمی بیند، تناسبی بین گروه ها برقرار نمی شود و انتخابات کاملاً بر

حسب اکثریت مطلق است.

اشکال دیگری که وارد است این است که در مدل اکثریتی اتکا بیشتر بر افراد است و این اشخاص و افراد هستند که چهره کلی یک لیست می شوند و پا به میدان سیاسی می گذارند. با توجه به اینکه این افراد ممکن است در گذر زمان دچار تحولاتی (چه مثبت و چه منفی) شوند، این تحولات ممکن است ضربه به فضای سیاسی بزند. درحالی که در مدل تناسبی این شناسنامه دار بودن متعلق به گروه هاست یعنی این احزاب و گروه ها هستند که باید شناسنامه داشته باشند و در قبال نفراتی که از آنها انتخاب می شود و وارد مجلس می شود باید پاسخگو باشند. در نتیجه برای اینکه بتوانند اقبال مردم را بیشتر کسب کنند افراد شایسته تری را در لیست خود به ویژه در رده های بالاتر لیست خود قرار می دهند و بحث حضور در لیست با پول های کلان و کثیف تا حدی کنترل می شود. (که البته این لوازم دیگری را هم لازم دارد). این را هم باید بدانیم که شما برای مدل تناسبی نیاز به یک حوزه انتخابی بزرگ دارید؛ چون تناسب در یک حوزه انتخابی بزرگ بین چند گروه می تواند بسته شود. (مثلا در شهر تهران که ۳۰ نماینده دارد و یا مرکز استان ها که ۱۰ تا ۴۰ کرسی دارند) و در حوزه ای که یک یا دو نفر نماینده دارد تناسب معنایی ندارد.

طرح انتخابات استانی -

شهرستانی چه اشکالاتی دارد؟

برای مثال در مجلس دهم بحثی که در خصوص این بزرگ شدن حوزه انتخابیه مطرح بود، با نقد هایی روبرو شد. مسئله این بود که شهرستان ها را در مراکز استان ادغام کنیم و هر استان

یک حوزه انتخابیه شود. که خب اشکال بزرگی که به آن وارد است این است که رای شهرهای کوچک نادیده گرفته می شود و باعث می شود شهرهای کوچک نماینده خود که صدای آنهاست را از دست بدهند. یعنی مردم آن منطقه نقطه اتصال خود به حاکمیت که نماینده ی آنهاست را از دست می دهد. که این مشخصاً نه با قانون اساسی جور در می آید نه با رویکرد مردم سالاری دینی که در واقع نظریه پشتیبان جمهوری اسلامی می باشد. به همین دلیل طبیعی است که شورای نگهبان در طول دوره های مختلف چنین طرح هایی را تایید نمی کند چون مشخصاً با این موارد در مغایرت است.

راهکار اصلاح قانون انتخابات توسط مجلس چگونه است؟

ما در انتخابات اسفند ۹۸ طبق معمول شاهد ارائه لیست های انتخاباتی بلند بالایی بودیم؛ نظر شما درباره این لیست ها چیست؟

سوالی که پیش می آید این است که اگر می خواهیم آسیب های مدل اکثریتی را به حداقل برسانیم، باید چه کار کنیم؟ یک پیشنهاد مدل ترکیبی است. یعنی ما برای شهرهای کوچک با کرسی ها و نماینده های یک یا دو نفره مدل اکثریتی را پیش ببریم و آنها را در مراکز استانها ادغام نکنیم اما برای حوزه انتخابیه هایی که تعداد نماینده بیشتر از ۲ تا دارند، (مراکز استان و شهرهای بزرگ) مدل تناسبی را پیش ببریم. که در کل این مدل ترکیبی می باشد؛ ترکیبی از اکثریتی و تناسبی. این مدل باعث می شود که آسیب های اکثریتی را به حداقل برسانیم و در اکثر حوزه های انتخابیه مدل تناسبی را به کار ببریم.

اما در عین حال مدل اکثریتی را در شهرهایی که نماینده کمی دارند حفظ کنیم تا آنها هم متحمل ضرر نشوند.

پیشنهادی که کارشناسان برای فضای فعلی مجلس شورای اسلامی مطرح می کنند مدل ترکیبی است که دلایل لزوم آن گفته شد. بحث بعدی این است که در واقع نظام انتخاباتی می تواند رشد کند، متحول شود و به توسعه بیانجامد. ما شاید الان نتوانیم مدل تناسبی تمام و کمال را اجرا کنیم اما می توانیم با مدل ترکیبی به سمت فعالیت گروه ها و تشکل های سیاسی شناسنامه دار حرکت کنیم که این در آینده به تغییر و بهبود فرهنگ سیاسی ما منجر می شود. در حال حاضر مردم ما عادت به لیستی رای دادن دارند که این به خودی خود رفتار بدی نیست و یک رفتار انتخاباتی است. اما به شرطی که لیست های شما هویت سیاسی و شناسنامه سیاسی داشته باشند و لیست های شب انتخاباتی نباشند.

سرلیست در قبال لیست خودش پاسخگو باشد در مدل اکثریتی، لیست ها در کاریکاتوری ترین و غیر پاسخگو ترین حالت خود هستند و این باعث می شود که در قبال تصمیم هایی که می گیرند خیلی پاسخگو نباشند.

در این مدل افراد بیشتر مطرح هستند تا لیست اما در مدل تناسبی این پیرنگ شدن افراد کنار می رود و به جای آن پیرنگ شدن گروه ها به شرط شناسنامه دار و هویت دار بودن آنها مطرح می شود که این می تواند به نظام مند شدن فعالیت های سیاسی در ایران کمک کند.

پیشنهاد شما برای مدل انتخابات مجلس در ایران و خصوصاً در استان هرمزگان چیست؟

در رابطه با خود استان هرمزگان

همانطور که از صحبت های خودتان متوجه شدم اول اینکه باید با یک فرد بومی و یک کارشناس بومی در مورد هرمزگان صحبت کنید اما به طور کلی ما تعداد نماینده هایمان نسبت به جمعیت کم است و هر ۱۰ سال یک بار این تعداد نماینده ها به تناسب با

جمعیت کشور باید به روز رسانی شود. اما در آخرین دهه این اتفاق نیفتاد و در رابطه با استان هرمزگان نیز این مشکل وجود دارد که تعداد نماینده ها متناسب با جمعیت شهر و منطقه نیست و کمتر می باشد و نیاز است که فضای نمایندگان ما از این لحاظ هم به روز رسانی شود. من کلیت سوالات را توضیح دادم ولی صحبت راجع به هر استان و هر شهرستان مقداری مفصل تر است و توضیح آن در قالب متن، خیلی رسا نیست.



+ معرفی نرم افزار: گنجینه

بسیاری از ما علاقه مندیم به جای نصب چندین نرم افزار مختلف، قرآن، نهج البلاغه صحیفه سجادیه و رساله مراجع را یکجا در یک نرم افزار داشته باشیم. برای این منظور ما **نرم افزار «گنجینه»** را به شما پیشنهاد می کنیم.

از ویژگی های نرم افزار گنجینه می توان به موارد زیر اشاره کرد: (یک) قابلیت انتخاب و پشتیبانی از چهار زبان مختلف به عنوان پیش فرض (انگلیسی، اسپانیایی، فارسی و عربی)

(دو) پشتیبانی از فونت های گوناگون در سائز مورد نظر کاربر برای متن عربی و ترجمه به صورت جداگانه.

(سه) در نظر گرفتن فهرست برای هر کدام از کتب بصورت جداگانه به منظور

دسترسی آسانتر به محتوای کتابها با قابلیت جستجو.

(چهار) قابلیت برگزیدن هر آیه یا فراز از کتب به عنوان علاقه مندی کاربر.

(پنج) قابلیت یادداشت گذاری بر روی هر آیه یا فراز از کتب.

(شش) قابلیت به اشتراک گذاری هر آیه یا فراز از طریق ایمیل و پیامک.

(هفت) قابلیت گذاشتن چوب الف روی هر کتاب به صورت جداگانه.

(هشت) قابلیت دانلود و پخش صوت هر سوره توسط قاری های گوناگون.

(نه) دسترسی سریع به حزب و جزء خاص و یا یک سوره با شماره مورد نظر

(ده) دسترسی سریع به علاقه مندی ها و یادداشت ها بصورت جداگانه

(یازده) قابلیت جستجو در کل کتاب دوازده) ختم قرآن





پیشوا حضرت شیخ ابوالحسن علی میرزا

۱۳۶۳

سورای عالی انقلاب فرهنگی

فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و علمی - تعیین مراجع برای طرح و تدوین برنامه های فرهنگی، آموزشی، علمی و تحقیقاتی - تصویب آیین نامه های مهم و اساس مراکز علمی و فرهنگی، آموزش و پژوهشی کشور و... وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی را می توان در سه حوزه سیاست گذاری، تدوین ضوابط و نظارت تقسیم بندی کرد. تهیه و تدوین سیاست ها و طرح های راهبردی کشور در زمینه های مختلف فرهنگی از جمله در حوزه های زنان، تبلیغات، اطلاع رسانی، چاپ و نشر، بیسوادی، دانشگاه ها، برقراری روابط علمی و پژوهشی و فرهنگی با دیگر کشورها، همکاری حوزه و دانشگاه، فعالیت های دینی و معنوی، تهاجم فرهنگی و سایر حوز ههای فرهنگی مربوطه از جمله وظایف سیاست گذاری این شورا محسوب می شود.

تهیه و تدوین سیاست ها و طرح های راهبردی کشور در زمینه های مختلف فرهنگی از جمله در حوزه های زنان، تبلیغات، اطلاع رسانی، چاپ و نشر، بیسوادی، دانشگاه ها، برقراری روابط علمی و پژوهشی و فرهنگی با دیگر کشورها، همکاری حوزه و دانشگاه، فعالیت های دینی و معنوی، تهاجم فرهنگی و سایر حوز ههای فرهنگی مربوطه از جمله وظایف سیاست گذاری این شورا محسوب می شود.

جامعه به خصوص نهادهای فراگیری مانند آموزش و پرورش و دانشگاه ها، مسأله ساده ای نبود که بتوان در کوتاه مدت، تحولات لازم را در آنها بوجود آورد. ازطرف دیگر ادامه کار آنها به ویژه دانشگاه ها به همان شکل سابق به صلاح جامعه نبود. در نتیجه، با توجه به فضای حاکم بر دانشگاه ها، مدتی تمام دانشگاه های کشور تعطیل شد. پس از تعطیلی دانشگاه ها به منظور ساماندهی به امور فرهنگی مدارس و دانشگاه ها به فرمان امام خمینی(ره) نخستین ترکیب شورای انقلاب فرهنگی با عنوان ستاد انقلاب فرهنگی شکل گرفت. با تشکیل این ستاد، با وجود کارشکنی های برخی اشخاص و گروه های سیاسی، حضرت امام (ره) در ۱۳۶۰ خورشیدی از این ستاد خواستند که هرچه سریع تر بستر بازگشایی دانشگاهها را فراهم آورند. این شورا نخست با حضور اعضای مانند آقایان شریعت مداری، باهنر، املشی و حبیبی کار خود را آغاز کرد و در راستای حرکت های خود روز به روز نیاز بیشتری به وجود آن حس شد و نیز کار آن گسترش یافت از این رو در ۱۳۶۹ خورشیدی امام (ره) افرادی را به این شورا اضافه کردند و این ستاد به نام شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر نام داد.

اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی

با این مقدمات ستاد انقلاب فرهنگی با ترکیب جدید خود و با عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت خود را آغاز کرد. برخی از وظایف مصوب این شورا عبارتند از؛ تدوین اصول سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی در تعیین اهداف و جهت برنامه های

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و به دنبال آن استقرار نظام جمهوری اسلامی به جای نظام ستمشاهی پهلوی، تغییر و تحول بنیادینی را در عرصه های گوناگون اجتماعی به وجود آورد، چراکه تحول در نظام از طریق تحول در بنیاد ها و ساختار ها تحقق می یابد. یکی از این مهم ترین آنها تحول در عرصه فرهنگی است. تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی بی گمان یکی از دستاوردهای مهم انقلاب به شمار می رود که با هدف گسترش و نفوذ فرهنگ اسلامی در جامعه تشکیل شد.

تدبیر و تأکید رهبر کبیر انقلاب و مقام معظم رهبری بر استمرار وجود نهادی که به طور دائم و به صورت مستمر و فعال موضوع فرهنگ و علم را طراحی و برنامه ریزی کند، از اهمیت راهبردی این نهاد حکایت دارد. تدبیری که موجب شده حجم زیادی از کارکردها در حوزه علم و فرهنگ و آنچه که مبنای عمل در حوزه علم، آموزش، تحقیق و پژوهش قرار می گیرد، براساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد. این موضوع - که هم آمار و ارقام مؤید آن است و هم مورد تأیید فعالان و کارشناسان حوزه های گوناگون است - نشان می دهد که این تدبیر و اندیشه از ابتدا با رهبران انقلاب بوده است و به دلیل اهمیتی که بخش علم، تحقیق و فرهنگ داشته این نهاد در جایگاه تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور پیش بینی شده است.

صدور پیام نوروزی امام خمینی «ره» را در اول فروردین ۱۳۵۹، باید نقطه عطفی در تاریخ انقلاب فرهنگی دانست. همزمان با سقوط رژیم پهلوی، نهادهای مختلف یکی پس از دیگری در کشور پا گرفتند اما فرهنگ حاکم بر نهادهای

همچنین تعیین ضوابط تأسیس مراکز علمی و آموزشی و نیز ضوابط گزینش مدیران، استادان و دانشجویان از جمله وظایف این شورا به شمار می آید. بررسی و تحلیل شرایط فرهنگی ایران و جهان، بررسی الگوهای توسعه

خود را بر این شورا تحمیل نموده و آن را درگیر مصوبات و موضوعات فرعی و غیر اصلی کرده است.

این نهاد، بیش از آن که نهادی تأثیرگذار در عرصه فرهنگ و سیاست گذاری فرهنگی و علمی کشور باشد، بیشتر تحت تأثیر سیاست های فکری و فرهنگی حاکم بر دولت ها بوده و سیاست گذاری های بیرون از شورا، خود را بر این شورا تحمیل نموده و آن را درگیر مصوبات و موضوعات فرعی و غیر اصلی کرده است.

ضعفهای فعلی شورای عالی انقلاب فرهنگی باید توسط خود اعضای آن حل و فصل شود و قرار نیست این مشکلات توسط افراد دیگر یا موجودات ماورایی رفع شود و همچنان که مقام معظم رهبری هم فرمودند مهم ترین دارایی این شورا اعضای آن هستند.

لینک دانلود نسخه الکترونیکی نشریه تحکیم با عنوان «مرثیه ای بر فرهنگ»



لینک کلیپ برشی از سخنرانی استاد رحیم پور ازغدی با موضوع شورای عالی انقلاب فرهنگی در سی و ششمین نشست میان دوره دفتر تحکیم وحدت



این شورا به بهانه های مختلف برگزار نمی شود. با این روند طبیعی است که تحولی در عرصه فرهنگی اتفاق نیفتد و فعالیت خاصی برای حرکت و اصلاح فرهنگ کشور انجام نشود.

باید شورای عالی انقلاب فرهنگی حداقل دو اقدام بنیادین جهت رفع این معضل انجام دهد: ابتدا «سیاست گذاری فرهنگی» انجام دهد و سپس «نظارت فرهنگی». متأسفانه بسیاری از اعضا نیز به جایگاه این شورا و نقش مهم خود توجه کافی ندارند و فرصت خالی برای وقت گذاشتن حتی برای شرکت در جلسات این شورا را هم ندارند زیرا به جز عضویت در این شورا، چندین شغل و کار دیگر دارند

مشکل دیگر شورا این است که ضمانت اجرا برای مطالبه سیاست های کلان فرهنگی نظام از سایر دستگاه ها را ندارد شورای انقلاب فرهنگی باید به عنوان متولی اصلی فرهنگ در کشور ضمانت اجرا برای پیگیری و مطالبه سیاست های کلان فرهنگی کشور از سایر نهادها را داشته باشد، اگر توزیع بودجه نهادهای فرهنگی در اختیار این شورا باشد، ضمانت اجرای این شورا تامین خواهد شد.

مطالب بیان شده تنها گوشه ای از ایرادات وارد بر مهمترین نهاد تصمیم گیر کشور در حوزه فرهنگی است، بسیاری از مشکلات و معضلات فرهنگی امروز در جامعه به انفعال و سیاست زدگی این شورا بر می گردد. این نهاد، بیش از آن که نهادی تأثیرگذار در عرصه فرهنگ و سیاست گذاری فرهنگی و علمی کشور باشد، بیشتر تحت تأثیر سیاست های فکری و فرهنگی حاکم بر دولت ها بوده و سیاست گذاری های بیرون از شورا،

و پیامدهای فرهنگی آن، بررسی وضع فرهنگ و آموزش کشور و نیز نظارت بر اجرای مصوبات شورا از دیگر وظایف نظارتی شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب می شود

مشکلات شورا

با وجود همه این اهداف و ساختارهای موجود شورا بازهم مشکلاتی وجود دارند که مانع اثر بخشی حداکثری شورا بر جامعه می شوند. خود این مشکلات بعضاً ساختاری هستند و در بسیاری از حوزه ها هنوز ابهامات تئوریک وجود دارد؛ در حالی که این شورا یک نهاد تصمیم ساز است، اما فاقد یک هیات اندیشه ورز است.

خود این مشکلات بعضاً ساختاری هستند و در بسیاری از حوزه ها هنوز ابهامات تئوریک وجود دارد؛ در حالی که این شورا یک نهاد تصمیم ساز است، اما فاقد یک هیات اندیشه ورز است.

شان سیاستگذاری این شورا مورد غفلت قرار گرفته است، باید شورای عالی انقلاب فرهنگی حداقل دو اقدام بنیادین جهت رفع این معضل انجام دهد: ابتدا «سیاست گذاری فرهنگی» انجام دهد و سپس «نظارت فرهنگی». متأسفانه بسیاری از اعضا نیز به جایگاه این شورا و نقش مهم خود توجه کافی ندارند و فرصت خالی برای وقت گذاشتن حتی برای شرکت در جلسات این شورا را هم ندارند زیرا به جز عضویت در این شورا، چندین شغل و کار دیگر دارند و برخی روسای کمیسیون های شورا فقط در همان دو ساعت مقرر جهت حضور در جلسات، برای این شورا وقت می گذارند. روند بی نظمی ها در این باره تا حدی است که متأسفانه بسیاری از جلسات

باز در خود خیره شو، انگار چشمت سیر نیست
درد خود بینی است می دانم تو را تقصیر نیست
کوزه‌ی در بسته در آغوش دریا هم تهی است
در گل خشک تو دیگر فرصت تغییر نیست
شیر وقتی در پی مردار باشد مرده است
شیر اگر هم سفره‌ی گفتار باشد، شیر نیست
اولین شرط معلم بودن عاشق بودن است
شیخ این مجلس کهن سال است اما پیر نیست
در پشیمانی چراغ معرفت روشن تر است
توبه کن! هرگز برای توبه کردن دیر نیست
همچنان در پاسخ دشنام می گویم سلام
عاقلان داند دیگر حاجت تفسیر نیست
باز اگر دیوانه‌ای سنگی به من زد شاد باش
خاطر آینده‌ی ما از کسی دلگیر نیست



شفافیت در نهج البلاغه

سبحان محمودی
داشنجوی داروسازی

در نامه ای به « اشعث بن قیس » می نویسد: « کاری که در دست توست، طعمه (و فرصتی برای چپاول) نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو. »

و به کارگزارش در بصره، می فرماید: « ابوالعبّاس! خدایت بیامرزد. در آنچه بر زبان و دست تو جاری می گردد، خوب باشد یا بد، کار را به مدارا کن، که من و تو در مسئولیت کاری که انجام می دهی شریکیم. »

کلام پایانی اینکه حکمرانی شایسته دارای شاخصه های فراوانی می باشد که در این جا به دو مورد یعنی « شفافیت » و « پاسخ گویی » اشاره شد.

شهید مطهری می نویسد: « در منطق کتاب شریف نهج البلاغه، امام و حکمران امین، پاسبان حقوق مردم و مسئول (پاسخگو) در برابر آنهاست. »

بی مشورت شما نکنم، جز اجرای حکم خدا. حقی را که از آن شماست از موعد خود به تأخیر نیفکنم، و تا به انجامش نرسانم از پای ننشینم، و حق شما را به تساوی دهم. »

یعنی در حکومت اسلامی حتی المقدور اسرار ناگفتنی بین حکمرانان، سرداران سپاه، و عامه مردم وجود ندارد، به جز اسرار نظامی و امنیتی که فاش ساختن آنها به زیان مردم است و منافع آنها را تهدید می کند.

دو) آن حضرت در موارد مختلف این نکته را به کارگزاران خویش گوشزد می کرد، که قدرت را فرصتی برای به دست آوردن منافع شخصی خود ندانند بلکه آن را امانتی الهی بشمارند که برای آن باید در پیشگاه خداوند و مردم پاسخگو باشند؛

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام

کتاب نهج البلاغه گزیده ای از بیانات علویست و به مانند دریاییست که جنبه های فردی و اجتماعی انسان را دربرگرفته و امواج آن حوزه های اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را برای ایجاد یک حکومت اسلامی ناب درنور دیده است. از جمله این موارد مهم بحث شفافیت و پاسخ گویی در حکومت اسلامیست؛ که درسیره علوی ساری و جاریست و منشا ایجاد امنیت روانی جامعه و دور شدن از سوء ظن مردم به حاکمیت و سدی در برابر نفوذ رسانه ای دشمنان است. در ادامه به دومورد از این موارد اشاره خواهد شد.

یک) امام علی علیه السلام با توجه به این شاخص، می فرمایند: « بدانید، حقی که شما بر عهده من دارید این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ را، و کاری را

معجزه شفافیت

همه برلم

پیرایه



شفافیت

از دو جنبه قادر است تولید اعتماد و رضایت نماید. در قدم اول، شفافیت باعث می شود فساد کارکنان اداری به حداقل برسد، که این امر حسن اجرای وظایفشان را در پی خواهد داشت. در گام بعدی شفافیت می تواند نقش بسزایی در تصحیح برداشت های نادرست شهروندان از عملکرد دولت را داشته باشد. برخی صاحب نظران این حوزه از جمله ایم، پرومسی و لی معتقدند شهروندان اغلب اطلاعات عینی و دقیق ندارند و نتیجتاً در انتقاد از عملکرد دولت از مدار انصاف خارج می شوند.

هرگاه مسئله

«فساد در نظام اداری» مطرح می شود، اولین راهکاری که به اذهان عمومی و مدیران دست اندرکار می رسد، برخوردهای شبه قضایی یا قضایی است. حال آن که این نوع برخورد، بیشتر جنبه پسینی دارد و ارزش پیشگیرانه آن کم رنگ است. آنچه نظام اداری را به سمت سلامت سوق می دهد، اراده نظری و عملی برای بسط شفافیت در نظام اداری، در مرحله سیاست گذاری است که جنبه پیشینی دارد.



بررسی از وضعیت نامه سردار :

اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به نحوی تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است.

نکته‌ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آنهایی [که] اصلاح‌طلب خود را می‌نامند و چه آنهایی که اصولگرا. آنچه پیوسته در رنج بودم این که عموماً ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش می‌کنیم، بلکه فدا می‌کنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید،



تصویر اختصاصی +



علیرضا فرجی
پزشکی ارومیه



شهید دکتر عبد الحمید دیالمه:

هنوز چنین تصویری داریم که اگر فردی را برگزیدیم، دیگر او بر ما مسلط است؛ حتی اگر سخن ناصواب و نادرستی بگوید، در مقابل او هیچ واکنشی نشان نمی‌دهیم. در حالیکه ما باید او را یاری کنیم تا بتواند سدها را بشکند و پیش برود.

 @harfe.hesab_hums



برای دسترسی آسان‌تر به پیج
نشریه این بارکد را اسکن نمایید :